

بحر وحی که در قلم اعلی مستور است بصورت این کلمات ترشح فرموده ای جمال بمقرّ اقدس وارد شدی و بمنظر اکبر فائز گشتی امواج بحر معانی الهیّه را بچشم ظاهر مشاهده نمودی و کلمات تامّات که هر یک مخزن لثالی حکمت و بیان بود بگوش خود اصغا کردی و فیوضات منبسطه رحمانیّه و رحمت واسعۀ الهیّه را نسبت بکلّ بریّه بقدریکه عرفان آن ممکن است علی ما ینبغی لک ادراک نمودی ای جمال الیوم باید بمحبّت و مرحمت و خضوع و خشوع و تقدیس و تنزیهی ظاهر شوید که احدی از عباد از اعمال و افعال و اخلاق و گفتار شما روائح اعمال و گفتار امم قبل استشمام ننماید که بمجرّد استماع کلمهئی یکدیگر را سبّ و لعن مینمودند انا خلقنا النفوس اطواراً بعضی در اعلی مراتب عرفان سائرند و بعضی دون آن مثلاً نفسی غیب منیع لا یدرک را در هیکل ظهور مشاهده مینماید من غیر فصل و وصل و بعضی هیکل ظهور را ظهور الله دانسته و اوامر و نواهی او را نفس اوامر حقّ میدانند این دو مقام هر دو لدی العرش مقبول است ولکن اگر صاحبان این دو مقام در بیان این دو رتبه نزاع و جدال نمایند هر دو مردود بوده و خواهند بود چه که مقصود از عرفان و ذکر اعلی مراتب بیان جذب قلوب و الفت نفوس و تبلیغ امر الله بوده و از جدال و نزاع صاحبان این دو مقام تزییع امر الله شده و خواهد شد لذا هر دو بنابر راجعند اگرچه بزعم خود باعلی افق عرفان طائرند

ای جمال غیب منیع لا یدرک ینوح و یکی چه که استشمام مینماید آنچه را که الیوم محبوب است اهل حقّ باید باخلاق او ظاهر شوند آنه هو ستار العیوب و علاّم الغیوب و غفّار الذنوب امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سحاب جود مرتفع باید نفوس پژمرده را بنسائم محبّت و مودّت و میاه مرحمت تازه و خرّم نمود احتبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید بقسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرّات تراب آن محلّ شهادت دهند بخلوص آن جمع و جذبۀ بیانات روحانیّه آن انفس زکیّه ذرّات آن تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب بلسان حال ذکر نماید انا افضل منکم چه که در حمل مشقّات فلاّحین صابرم و بکلّ ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده نموده و مینمایم مع همه این مقامات عالیّه و ظهورات لا تحصی که جمیع ما یحتاج وجود از من ظاهر است باحدی فخر ننموده و مینمایم و بکمال خضوع در زیر قدم کلّ ساکنم

ملاحظه در علما و عرفای قبل نمائید مع آنکه در هوای توحید طائرند و بذکر مراتب تجرید و تحمید ناطق کلمهئی از آن نفوس لدی الکلمة مقبول نیفتاد و نفسیکه از تکلم لفظ کلمه توحید عاجز بود چون بمقرّ ظهور موقن شد اعمال نکرده اش مقبول شد و ثنای نگفته اش محبوب افتاد فاعتبروا یا اولی الابصار

قسم بامواج بحر معانی که از ابصار مستور است که احدی قادر بر وصف این ظهور اعظم علی ما هو علیه نبوده و نیست لذا باید کلّ با یکدیگر برفق و مدارا و محبّت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکّر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر بکوچک و بزرگی ظروف باشد یکی کفی اخذ نموده و دیگری کأسی و همچنین دیگری کوبی و دیگری قدری امروز نظر کلّ باید باموری باشد که سبب انتشار امر الله گردد حقّ شاهد و گواه است که ضربی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بین احیاب نبوده و نیست اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثمّ الفوا بین القلوب باسمه المؤلّف العلیم الحکیم

از حقّ جلّ جلاله بخواهید که بلذّت اعمال در سبیل او و خضوع و خشوع در حبّ او مرزوق شوید از خود بگذرید و در سایرین نگرید منتهای جهد را در تربیت ناس مبذول دارید امری از حقّ پوشیده نبوده و نیست اگر برضای حقّ حرکت نمایند

بفیوضات لا تنهای فائز خواهند شد اینست کتاب مبین که از قلم امر ربّ العالمین جاری و ظاهر شد تفکّروا فیما نزل فیہ و کونوا من العالمین نفوسیکه الیوم من عند اللّٰه مأمورند به تبلیغ امر و تخصیص داده شده‌اند بعنایات مخصوصه او کلّ باید نسبت بایشان خاضع باشند چه که آن خضوع لله واقع میشود چون بامر حقّ است بحقّ راجع است ولکن آن نفوسیکه تخصیص داده شده‌اند باید کمال اتّحاد ما بینشان میرهن و ظاهر باشد دیگر درایج عرفان و مراتب آن نفوس عند اللّٰه مشهود بوده و خواهد بود کذلک اوقدنا سراج البیان بین الامکان طوبی لمن اقتبس من مشکاته و استضاء بانواره انه من الفائزین المکرّمین و الحمد لله ربّ العالمین

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایند.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر